

ملاحظات پیرامون برنامه تسلیحات اتمی ایران پروژه آمریکا در خاورمیانه و وظایف نیروهای کمونیست و متعهد:

- ۱- روزنامه واشنگتن پست در شماره ۱۲ ماه می به نقل از مقامات جمهوری اسلامی نوشت: انگلستان، فرانسه و آلمان طی نامه‌ای به ایران هشدار داده اند که اگر ایران فعالیتهای هسته‌ای (غنی سازی اورانیوم در جهت ایجاد انرژی اتمی- هسته ای) را دوباره شروع کند در مقابله با اقدامات تنبیهی آمریکا، تنها خواهد ماند. براساس گزارش خبرگزاری "آسوشیندپرس"، در همان روز (۱۲) یک مقام آمریکایی که خواسته است نامش فاش نشود، تصریح کرد: اگر ایران به آژانس بین المللی انرژی اتمی "اطلاع دهد که قصد از سرگیری کار در هر یک از تاسیسات هسته‌ایش را دارد، باید با نتایج و فشارهای، ارجاع به شورای امنیت سازمان ملل متحد، روبرو شود که جلوگیری از آن دشوار خواهد بود" (واشنگتن پست، ۱۷ ماه می ۲۰۰۵)
- ۲- این هشدارها، اخبارها و فشارها بر ایران که نزدیک به دو سال از تاریخ شروع آنها می‌گذرد، در واقع فشار و اولتیماتوم مستقیم و غیر مستقیم "محافظه کاران نوین" (نئوکانهای) حاکم در رژیم بوش بر ایران است. این فشارها بهیچوجه با نیت ایجاد یک کشور و منطقه عاری از سلاحهای اتمی و شیمیایی و نیست. دولتهای حاکم در آمریکا - بویژه جناح "محافظه کاران نوین"- از عوامل اصلی گسترش و تاسیس پایگاه‌ها سلاحهای هسته‌ای و شیمیایی در منطقه بزرگ خاورمیانه و اقیانوس هند (اسرائیل، پاکستان و عراق و) در طول پنجاه سال گذشته بوده اند. ترسیم چهره‌ی ایران به عنوان یک کشور خطرناک تروریستی و شرور و مجهز به نیروی اتمی مثل تمام ترفندهای رژیم بوش در پنج سال گذشته زمامداریش بهانه‌ی دیگر برای رسیدن به هدف استراتژیکی آمریکا در جهان است. هدف استراتژیک آمریکا در درازمدت جهانی کردن "دکترین مونرو" (ایجاد "حیاطهای خلوت" در مناطق استراتژیک و ژئوپولتیکی جهان) به منظور سلطه و هژمونی بر جهان است. این پروژه استراتژیکی و نهایی از سوی آمریکا که در دوره "جنگ سرد" (۱۹۴۵-۱۹۹۰) به خاطر وجود سه چالش بزرگ (جنبشهای رهائی بخش ملی، سوسیالیسم و دولتهای سوسیال دموکراسی) از طرف هیئت حاکم آمریکا پیداه نشد، امروز از طرف نئوکانهای حاکم قرار است در دو مرحله به مورد اجرا گذاشته شود. در مرحله اول هدف ایجاد و استقرار هژمونی نفتی از طریق اشغال نظامی و یا زیر قیمومیت کشیدن (تغییر رژیم) کشورهای نفت خیز عراق، ایران، آذربایجان، قیرقیزستان، قزاقستان، ترکمنستان، ازبکستان و و تبدیل آنها به "حیاط خلوت" و ایستگاههای بنزین گیری" برای امپراطوری آمریکا است. در مرحله دوم، به زیر سلطه کشیدن آلمان و فرانسه و دیگر کشورهای "اروپای قدیم" تحت نام "اتحادیه اروپا"، اخته کردن روسیه، هندوستان و و بالاخره محاصره (تحدید) و جلوگیری از رشد چین به مقام اقتصاد برتر جهان است.
- ۳- نیروهای مارکسیست، سوسیالیست، برابری طلب و مترقی در پروسه مبارزات خود علیه نظام حاکم در ایران در طول بیست و شش سال گذشته کم و بیش به این نتیجه رسیده اند که رژیم جمهوری اسلامی سرمایه در کلیت خود حاکمیتی سفاک، ارتجاعی، ضدکارگر، ضدملیتهای، ضدزن، ناقض حقوق بشر و و عامل بازدارنده ایجاد و استقرار نهادهای مردم سالار در جهت تامین رفاه و عزت انسانی به بشریت زحمتکش ایران (که بیش از ۸۰ درصد جمعیت هفتاد میلیونی مردم ایران را تشکیل می‌دهند)، می‌باشد. ولی این جمع‌بندی از عملکرد نظام جمهوری اسلامی که موضعی درست، دقیق، مناسب و عادلانه است، نباید نیت حرکت نظام جهانی سرمایه را که می‌خواهد ایران را از دسترسی به فن‌آوریهای پیشرفته علمی و فرهنگی، منجمله در زمینه بهره‌گیری از تکنولوژی و فن‌آوری هسته‌ای محروم و خلع سازد، مورد توجه قرار دهد. هدف نئوکانها ایجاد ایران "دمکراتیک" و کشوری آزاد از سلاحهای اتمی و غیره نیست. هدف آنها تبدیل ایران به یک "ایستگاه بنزین گیری" است.
- ۴- کشور ایران (و نه رژیمهای پهلوی و یا رژیم جمهوری اسلامی) یکی از اعضای تشکیل دهنده سازمان ملل متحد در سالهای ۱۳۲۳-۱۳۲۴ خورشیدی بوده است و مثل هر کشوری حق دارد به بهره‌گیری از فن‌آوریهای اتمی دست پیدا کرده و به پژوهش و تفحص در این زمینه بپردازد و نباید تابع و پیرو دیکته و "امر و نهی" نظام جهانی سرمایه (امپریالیسم) باشد، که خواستش استقرار هژمونی در منطقه وسیع و نفت خیز خاورمیانه و آسیای مرکزی است.
- ۵- بررسی دقیق اوضاع جهان، تشدید جهانی شدن سرمایه میلیتاریزه ساختن سیاست خارجی آمریکا. تنها این قدرت جهانی - حمله نظامی آمریکا به افغانستان و عراق و ادامه و گسترش احتمالی آن به کشورهای سوریه،

ایران و..... به روشنی نشان می‌دهد که هئیت حاکمه آمریکا (مدیر عامل نظام جهانی سرمایه) می‌خواهد یک اصل سیطره جویانه ای را برقرار سازد که براساس آن، انحصار داشتن و ساختن سلاحهای هسته‌ای پیشرفته‌تر، باید در دست پاره ای از کشورهای جهان باشد که خودشان خود را (با عنایت و حمایت آمریکا) "متمدن"، "پیشرفته"، "مدرن" و "ضد تروپست" و.... می‌دانند! لذا، نیروهای مترقی، دمکراتیک، برابری طلب و چپ‌های مارکسیست در جهان باید علیه انحصار بمب اتمی، به مبارزه بر خیزند. تنها از این طریق است که ما (قربانیان نظام جهانی سرمایه) موفق خواهیم شد به یکی از اهداف انسانی خود، یعنی پیاده ساختن ایده خلع سلاح کامل و از جمله نابودی کلیه سلاح های هسته ای، میکروبی و شیمیایی و ... در جهان، برسیم.

۶- عدم همکاری ایران با دولتهای اروپایی در مورد از سرگیری بخشی از فرایند غنی سازی اورانیوم در ایران، یک خودکشی سیاسی و ماجراجویی جنگی نمی تواند محسوب گردد. زیرا همکاری ایران با کشورهای اروپایی و پذیرش بی قیدوشرط بازرسان "اژانس بین المللی انرژی اتمی" برای بازدید از تاسیسات و پایگاه های اتمی ایران نیز کشور ما را از حمله احتمالی آمریکا در آینده مصون نخواهند ساخت و وعده و وعیدهای امپریالیستهای اروپا نیز هدفی جز بهزیر کنترل خود درآوردن صنایع هسته‌ای ایران و فروش اورانیوم غنی‌شده برای استفاده در تاسیسات هسته‌ای تولید برق، نمی‌باشد. وقایع کشور عراق درسه سال گذشته گواه بر این مدعاست. در ماههای زمستانی سال ۲۰۰۲، در پرتو تبلیغات وسیع در سراسر جهان، دولت عراق در زیر فشار آمریکا و سازمان ملل متحد حاضر به پذیرش بازرسان بین الملل در خاک عراق گشت. بازرسان به عراق روانه شدند تا از تاسیسات اتمی آن کشور باز دید کرده و وجود "سلاحهای کشتار دسته جمعی" را به "اثبات" برسانند. نه تنها آن بازرسان، طبق گزارش رسمی هانس بلیکس، موفق نشدند که بعد از سه ماه کوچکترین مدرکی که دال بر وجود "سلاحهای کشتار دسته جمعی" در عراق باشد، پیدا کنند، بلکه معلوم شد که رژیم بوش، بدون گذاشتن کمترین احترامی به اعتبار و موقعیت شکننده سازمان ملل متحد، جاسوسان خویش را در "لباس ناظران بین المللی" به عراق گسیل ساخته بود که تا اطلاعات نظامی را در اختیار وزارت دفاع آمریکا (که در تدارک حمله نظامی به عراق بود) قرار دهند. امروز بعد از گذشت بیش از دو سال از تسخیر نظامی کشور عراق و ویرانی شهرها و روستاها آن کشور و قتل عام و کشتار بیش از صد هزار نفر زن و مرد و کودک عراق، برهمگان روشن گشته است که وجود "سلاحهای کشتار جمعی" در عراق که "صلح جهانی" و "امنیت ملی" آمریکا را "تهدید" می‌کرد، یک جعل بزرگ تاریخی بوده که بوش و حامیانش - تونی بلر و اعضای اصلی "محافظه کاران نوین" ساخته بودند که از آن به‌عنوان یک "لولو خرخره" استفاده کرده و با فریب افکار عمومی، بویژه در آمریکا، کشور عراق را تسخیر نظامی کنند.

۷- نیروهای دمکراتیک و مترقی، برابری طلب و سوسیالیست باید با پی گیری، همه اقدامات و ترفندهای نظامی جهانی سرمایه (امپریالیسم) را در منطقه خلیج فارس- بحر خزر (خاورمیانه و آسیای مرکزی)، تعقیب و تحقیق کنند و خود را برای روزهای سخت آینده، آموزش داده و آماده سازند. تجربه عراق باید برای ما منبع مهمی برای تجربه اندوزی و بدل یابی باشد. نفس وجود جمهوری اسلامی سرمایه، چه با نظام جهانی سرمایه مماشات بکند و چه نکند تهدیدی بالقوه و تاریخی برای استقلال پایدار ایران، که ضروری ترین زمینه برای گسترش دمکراسی و عدالت اجتماعی - اقتصادی در جامعه ایران است، می‌باشد. وقت آن رسیده است که تمامی نیروهای مترقی، سوسیالیست و حساب خود را از اصلاح طلبان، جمهوری خواهان و که فقط خواهان دست به دست شدن قدرت و ماشین دولتی هستند جدا ساخته و به جوانان و نوجوانان ایران ندا دهند که "دموکراسی" خواهی رژیم بوش، همانطور که در دو سال گذشته در کشور همسایه (عراق) نشان داد، چیزی جز هرج و مرج و آشوب و ویرانی و کشت و کشتار نیست که با تکیه بر آن آمریکا می‌خواهد به اهداف دو مرحله‌ای خود برسد. تاریخ معاصر جهان عموماً و تاریخ معاصر مردم ایران خصوصاً کسانی را که می‌دانند پنجاه سال پیش آمریکا با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دموکراسی نوپا و جوان ایران را سرکوب ساخته و ایران را به مدار نظام جهانی سرمایه متصل ساخت و امروز نیز آرزوی مداخله ای "اسکندر قهار آمریکا" را در ایران دارند، هرگز نخواهند بخشید.